

۹۹ از آنجا که اختلاف ایجاد شده ناشی از اصرار مجلس بر نظر مغایر با نظر شورای نگهبان نیست، نمی‌توان مستند به اصل ۱۱۲ قانون اساسی صلاحیت مجمع تشخیص در حل اختلاف میان مجلس و هیئت عالی نظارت را توجیه کرد؛ زیرا مستند به اصل عدم صلاحیت مجمع تشخیص مصلحت نظام در این خصوص صلاحیت ندارد. ۶۶

و ناظر بر نظر هیئت عالی نظارت به‌عنوان مرجع حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام مستند به بند ۲ اصل ۱۱۰ قانون اساسی است. مطابق با آنچه بیان شد، شورای نگهبان در این خصوص فقط طریقت دارد و محل نزاع و اختلاف میان نظر هیئت عالی نظارت و تصمیم مجلس است.

بنابراین از آنجا که اختلاف ایجاد شده ناشی از اصرار مجلس بر نظر مغایر با نظر شورای نگهبان نیست، نمی‌توان مستند به اصل ۱۱۲ قانون اساسی صلاحیت مجمع تشخیص در حل اختلاف میان مجلس و هیئت عالی نظارت را توجیه کرد؛ زیرا مستند به اصل عدم صلاحیت مجمع تشخیص مصلحت نظام در این خصوص صلاحیت ندارد. از سوی دیگر، امکان اصرار بر تصویب مصوبات مغایر با سیاست‌های کلی نظام مغایر با فلسفه و اهداف ابلاغ این سیاست‌ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. مطابق با آنچه گفتیم، سیاست‌های کلی نظام در مقام تعیین خط‌مشی و جهت‌گیری‌های کلان کشور در حوزه‌های گوناگون بوده و ریشه الزام به اجرای آن در عرصه‌های تقنین، قضا، اجرا و سایر شئون حکومت نیز تضمین حرکت کشور در راستای خط‌مشی‌های طراحی شده توسط ولی‌فقیه است. با این توضیحات چنانچه قانون‌گذار این امکان را داشته باشد که در مقام تدوین الزامات حقوقی در جامعه از خط سیر کلان طراحی شده برای نظام حقوقی تخطی کند و مجریان را مکلف سازد که خلاف سیاست‌های کلی ابلاغی عمل کنند، نقض غرض از هدف و فلسفه ابلاغ سیاست‌های کلی نظام صورت گرفته است. در نتیجه مستند به اصل عدم صلاحیت و با تأکید بر فلسفه تصویب و ابلاغ سیاست‌های کلی

نظام در جمهوری اسلامی ایران اصرار بر مخالفت مجلس با نظر هیئت عالی نظارت امری فاقد وجهت حقوقی به نظر می‌رسد.

راهکار حل تزاخم میان دیدگاه‌های شورای نگهبان و هیئت عالی نظارت

آخرین موضوع محل بحث در این پژوهش در خصوص اولویت و تقدم اظهارنظر در خصوص مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با سیاست‌های کلی نظام است. در مقام تبیین این موضوع باید گفت مطابق مباحث پیش‌گفته شورای نگهبان و هیئت عالی نظارت توأمان دارای صلاحیت نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام در فرایند تغییرند، اما در صورت تعارض نظارت این دو نهاد کدام نظر مقدم خواهد بود؟ در جایگاه بررسی و پاسخگویی به پرسش باید گفت از آنجا که صلاحیت اولیه نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام در بند ۲ اصل ۱۱۰ قانون اساسی به رهبری واگذار شده و رهبری مستند به ذیل این اصل صلاحیت خود را به هیئت عالی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام تفویض کرده است، نظارت این نهاد مقدم بر نظر شورای نگهبان به‌عنوان نهادی است که در ابتدا صلاحیت نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام را ندارد و مستند به صلاحیت ذاتی خود در انطباق مصوبات مجلس با قانون اساسی و موازین اسلامی اقدام به بررسی مصوبات مجلس از حیث مغایرت یا عدم انطباق با سیاست‌های کلی نظام می‌کند. این اولویت در مرقومه رهبری در پاسخ به دبیر شورای نگهبان در خصوص صلاحیت این شورا در رسیدگی به مصوبات مجلس در خصوص سیاست‌های کلی نظام محل مورد نظر قرار گرفته بود و ایشان مقرر داشتند: «... در مواردی که مجمع در این باره (مغایرت یا عدم انطباق مصوبات مجلس با سیاست‌های کلی نظام) اعلام نظر نکرده است، شورای نگهبان بر طبق وظیفه ذاتی خود درباره مغایرت و عدم انطباق مصوبه با سیاست‌ها عمل خواهد کرد». در نتیجه اولویت اظهارنظر در موارد تزاخم میان نظر شورای نگهبان و هیئت عالی نظارت در خصوص انطباق یا عدم مغایرت یک مصوبه با سیاست‌های کلی نظام، با نظر هیئت عالی نظارت است و چنانچه این هیئت در

خصوص مصوبه اظهارنظر نکند، شورای نگهبان صلاحیت ورود و بررسی خواهد داشت.

مبتنی بر آنچه در خصوص صلاحیت نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام در فرایند تقنین بیان شد، می‌توان به نتایج زیر اشاره کرد.

نتیجه‌گیری

صلاحیت نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام در فرایند تقنین توأمان بر عهده رهبری و شورای نگهبان است، زیرا از یک سو شورای نگهبان مکلف است به‌عنوان نهاد دادرسی اساسی آن بخش از مصوبات مجلس شورای اسلامی را که مغایر مفاد سیاست‌های کلی نظام تشخیص می‌دهد، مغایر با بند ۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی اعلام کند و از سوی دیگر، به‌صراحت بند ۲ اصل ۱۱۰ قانون اساسی صلاحیت نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام به‌صورت عام به رهبری سپرده شده است و فرایند تقنین نیز از جمله این فرایندها است.

در سیر تاریخی در کنار شورای نگهبان، از سال ۱۳۷۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام با توجه به واگذاری صلاحیت نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام توسط رهبری به‌عنوان مرجع صالح اجرای بند ۲ اصل ۱۱۰ قانون اساسی اقدام به اعلام مغایرت مصوبات مجلس با سیاست‌های کلی نظام کرده است و اعمال این صلاحیت امر بدیع و جدیدی نیست. در حال حاضر نیز اعمال این صلاحیت به‌موجب بند ۴-۱ حکم پیوست انتصاب اعضای هشتمین دوره مجمع تشخیص مصلحت نظام بر عهده جمع برگزیده‌ای از اعضای مجمع قرار دارد که از آن‌ها به هیئت عالی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام تعبیر می‌شود. شورای نگهبان در فرایند اعلام نظر هیئت عالی نظارت طریقت دارد و هیئت عالی نظارت محدود به چارچوب‌های تعیین شده برای شورای نگهبان در اعلام نظر در خصوص مصوبات مجلس از جمله محدودیت‌ها بازه زمانی تعیین شده است. مستند به اصل عدم صلاحیت مجمع تشخیص مصلحت نظام و با تأکید بر فلسفه ابلاغ سیاست‌های کلی نظام، اصرار بر مخالفت مجلس با نظر هیئت عالی نظارت امری فاقد وجهت حقوقی به نظر می‌رسد.